

پیش‌خواب

همراه با یکی از یاران
«در سایه آفتاب»

به سان قطره‌ای از دریا

■ سمانه صادقی



والمسلمین محمدحسن رحیمیان از اعضای دفتر آن بزرگ تألیف شده و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب کرده‌است. مؤلف در دیباچه این یادمان در توصیف شخصیت مراد خویش آورده‌است:

«عظمت شخصیت حضرت امام، بسان کوهی بود بسیار بزرگ که قله رفیعش، در ورای ابرهای طبیعت، سر به آسمان معنویت و عبودیت حق ساییده و با سر به ششمه لایزال هستنی، اعماق وجودش از زلال معرفت، سیراب و از گستره پیرامونش، چشمه‌سارهای حکمت جاری شده و تشنه‌کامان آب حیات را سیرمست شوق وصال کرد. نه قله سر به فلک کشیده عرفانش، در دسترس و دیدم‌محبوب ما بود و نه گام‌های لنگ آگاهی ما را توان پیمودن دامنه گسترده و ابعاد کمالاتش و نه اندیشه قاصر ما را توان نفوذ در ژرفای وجودش. عظمت شخصیت امام و عمق و گستردگی آن، حتی برای نزدیک‌ترین افراد و برجسته‌ترین شاگردان ایشان قابل دسترسی و شناخت دقیق نبود و کسی را هم برای چنین ادعایی نیست. باین همه هر کس متناسب با درک و ظرفیت خویش و از زاویه‌ای آن هم در بعد ظاهری و اثباتی، قطره‌ای از دریای حکمت و فرزانه‌گی امام را چشیده و با جمع‌آوری این قطر دهاست که جویدارهایی از آن دریای فضیلت برای تشنه‌کامان تاریخ و نسل‌های آینده جاری می‌شود. هر چند این بنده ناچیز بیش از نیمی از عمرم را بسان خاری، نزدیک و در کنار گل بی‌خار وجودش سر کردم، ولی به دلیل عدم قابلیت، کمتر از طراوت و زیبایی ملکوتی‌اش بهره‌مند شدم و بی‌گمان آنچه از او نصیبم شد، قطره‌ای بود از دریا



► آبان ۱۳۵۷، نوفل‌لوشاتو

و در عین حال آنچه از این قطره در ک و احساسم باقلم شکسته‌در قالب الفاظ ناقص می‌آید، با هم قطره‌ای است از دریا به هر حال آن آنجا که تمام کارها، حرکت‌ها، گفتارها و حتی سکوت‌ها – هر چند جزئی‌ترین آنها – درس‌هایی است عمیق و پر معنی و نمودهایی است از حکمت الهی و روح ملکوتی‌اش که به همه پیروان و عاشقانش تعلق دارد. از این رو هر کس آنچه را از امام دیده و شنیده، باید در اختیار دوستان در زمان حیات امام و بعد از آن، نویسنده را بر آن داشت تا به رغم درک قاصر و دید محدود و عدم یادداشت به موقع و روزانه تمام خاطرات و مشاهدات که موجب فراموشی آنها شده، یا آنچنان دقیق به خاطر نمانده که قابل استناد باشد، فقط به تحریر آن قسمت اندکی که جسته و گریخته به‌طور مستند یادداشت کرده‌بدم، مبادرت ورزم. بنابراین آنچه در این مختصر آمده است، هرگز نمی‌تواند معرف شخصیت والای حضرت امام باشد، بلکه فقط گوشه‌ای است از داستان آشنایی ناقص نویسنده با ایشان و خاطراتی چند از آنچه خود مستقیماً شاهد و مرتبط با آنها بوده‌ام و جز در چند مورد که از مرحوم آیت‌الله شهید حاج‌آقا مصطفی خمینی نقل کرده‌ام، از نقل صدها خاطره‌ای که از دیگران شنیده‌ام، خودداری کرده‌ام. به این دلیل که نقل بدون واسطه، از اعتبار و دقت بیشتری برخوردار است و به این امید که دیگران نیز آنچه را خود شاهد بوده‌اند، تحریر کنند تا آن‌شاءالله مجموعه‌ای کامل از خاطرات مستند، برای رهروان و پیروان آن راحل عظیم فراهم شود. امید مخلصان‌ام از درگاه خداوند منان آن است که صدق‌الشرائس خدامان‌باشم و صمیمانه در پیشگاه مقدس مشلت می‌نمایم که ما را با او و بسیجیان مخلصی که چه‌بسا او را هرگز از نزدیک ندیده‌بودند، ولی راه‌زار ساله را یک‌شبه طی کرده و با اشار هاش به مقام شهود و شهادت راه یافتمند، محشور فرمایند…»

■ **هادی حکیمیان**

آنچه در پی می‌آید، واپسین برگ‌ها از پژوهش ميسوطلی است که تحت عنوان «روح الله» و با تقریظ حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در سالگرد آن تحال حضرت امام‌خمینی رونمایی خواهد شد. این اثر از سوی هادی حکیمیان به نگارش در آمده و انتشارات «شهرستان ادب» آن را روانه بازار کتاب خواهد کرد؛ امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **او که به مردم، اعتماد به نفسی بی‌بدیل بخشید**

... امام خمینی با بنیان گذاشتن نخستین جمهوری مذهبی در قرن بیستم، خود را به عنوان یک چهره مجدد دین مطرح کرد. برخی حرکت وی را به عنوان رستاخیزی جدید برای اسلام قلمداد کرده‌اند. اعتقاد مردم به اسلام به عنوان آیین عدالت و رهایی، واکنش به شیوع فساد و فقر، ناتوانی مکاتب سوسیالیسم و ناسیونالیسم سکولار در ارائه راه‌حل‌های قابل قبول برای حل مشکلات فراینده مردم، تجاوزات گسترده غربی‌ها و شکست آشکار حکومت‌های استبدادی در مشروعیت بخشی به نظام سیاسی و توسعه و بهبود شرایط زندگی مردم از جمله عوامل مهم در رویکرد ملت‌ها به حرکتی بود که آیت‌الله خمینی به عنوان یک چهره دین‌دار ایجاد کرد. حکومت اسلامی بیش از هر چیز، نماد تجلی سیاسی خواست بخش‌های محروم جامعه، برای مشارکت در فرایند سیاست و بازسازی جامعه و دولت جدید است، کاری عظیم که تنها از «امام» ساخته بود. او رهبری بی‌نظیر بود که هیچ‌گاه مستضعفان، یعنی بزرگ‌ترین و مؤثرترین طبقه در پیشبرد امر مهم انقلاب و جنگ را فراموش نکرد. آیت‌الله خمینی با عبور از نظم سلسله مراتبی که طی قرن‌ها مجتهدان شیعه را با پیروان ایشان مرتبط می‌ساخت، پایه‌گذار نوعی جدید از رابطه امت و امامت بود. به گونه‌ای که پیروان او دایره وار برگرد امام و مقتدای خویش حلقه می‌زدند و هر یک امت و امامت بود. به گونه‌ای که پیروان او دایره وار به واسطه ترغیب مریدان خویش برای گذاردن شاخه‌های میخک سرخ» در لوله تفنگ نظامیان، شاه را مقهور ابقی انتهای اندیشه روشن خود ساخته بود، اینک به عالمی دیگر، به ملکوت اعلی علین عروج کرده است. اطرافیان، کفن ساده سفید اقق در پای پیش روی، موفق به شناسایی خواست‌های اولویت‌های پیروان خویش می‌شد و در برهه‌های حساس انقلاب و جنگ، ایشان را برای برگزیدن

ف

خیلی‌ها انتظار داشتند که با مرگ آیت‌الله، میراث وی هم دچار بحران و هرج و مرج شود، اما اینگونه نیست. همایون کاتوزیان مورخ ایرانی، دو دلیل را برای محقق نشدن این انتظار ذکر می‌کند: اول اینکه جمهوری اسلامی، آنگونه که بر خسی تبلیغ می‌کردند، حکومتی یک نفره نبود و دوم اینکه بر اساس آنچه در مراسم تشییع و تدفین آیت‌الله دیده شد، نظام همچنان از پایگاه عظیم مردمی بر خوردار است

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



نظر و گذری بر غروب آفتاب جماران، به مثابه واپسین فصل کرامات

اونه تنه‌ازندگی که مرگی فاتحانه داشت

شویه‌های درست راهنمایی می‌کرد.

امام با اقتدار خارق‌العاده خود، بارها اراده مردم را به آزمون گرفت. از امر به ناپدیده گرفتن قانون حکومت نظامی شاه تا فراخواندن توده‌ها به جنگ و سرانجام مقاومتی همه جانبه در برابر تحریم‌های امریکا، فراخواندن مردم به «وزه سیاسی» در شرایطی که غربی‌ها هر لحظه منتظر فروریزختن جامعه تحت محاصره ایران بودند، نشان از هوش سرشار و خلاقیت والای آیت‌الله دارد. او که اختلاف سلیقه در اداره حکومت را به رسمیت می‌شناخت، برای شنیدن حرف‌های دو جناح سیاسی آماده بود. هنگامی که بحرانی بزرگ نیازمند به اقدام بود، آیت‌الله برای مدتی عزلت می‌گزید و در سکوت، حواس خود را متمرکز می‌کرد. دوری کردن آیت‌الله از درگیری‌های معمول جناحی، حکایت از اعتقاد عمیق او به حضور خدا و صلای همین‌طور نور و ظلمت داشت. او به جزئیات و رقابت‌های سیاسی اعتنایی نداشت. پس تصمیمات خود را در قلمرو مجرد ایمان مذهبی می‌گرفت که در آن در جست‌وجوی فهم طرح خدا در گشودن حوادث بود. امام به عنوان حکم‌گذار نهایی، به کرات اراده مردم را به یاری طبلید و در مقابل ایشان را صاحب اعتماد به نفسی بی‌مانند کرد. او حج را به محملی سیاسی، برای اسلام انقلابی تبدیل کرد.

■ **ما را رها کنید در این رنج بی‌حساب**

اما اینک رستاخیزی دیگری است و مردم به طواف رهبر خویش آمده‌اند، چراکه شنبه شب درست در آستانه سالگی قلب او از حرکت ایستاد:

ما را رها کنید در این رنج بی حساب

باقلب پاره پاره و سینه‌ای کباب عمری گذشت در غم هجران روی دوست مرغم درون آتش و ماهی برون آب از درس و بحث مدرسه‌ام حاصلی نشد کی می‌توان رسید به دریا از این سراب مردی که در گرماگرم روزهای سخت مبارزه و به واسطه ترغیب مریدان خویش برای گذاردن شاخه‌های میخک سرخ» در لوله تفنگ نظامیان، شاه را مقهور ابقی انتهای اندیشه روشن خود ساخته بود، اینک به عالمی دیگر، به ملکوت اعلی علین عروج کرده است. اطرافیان، کفن ساده سفید اقاق در پای پیش روی، موفق به شناسایی خواست‌های اولویت‌های پیروان خویش می‌شد و در برهه‌های حساس انقلاب و جنگ، ایشان را برای برگزیدن

۱۵ خرداد ۱۳۶۸، مصداقی تهران، مراسم واداع امام خمینی

د

اینک روح از کالبد خمینی بیرون شده، اما سراسر جهان اسلام از بنگلادش تا الجزایر و سودان و از همه مهم‌تر لبنان و فلسطین، در تسخیر اندیشه‌های استعمار سستیزانه اوست. اتمسفر همه جهان، یک باره مملو از اخبار تصاویری از رهبر روحانی ایران شده و مهم‌ترین بخش در نزدیکی مرز کویت، با ظرفی کوچک و آبی قلیل وضو می‌ساخت. او مردی بود که هیچ گاه متزلزل نشد.

■ **این تشییع نشان داد که جمهوری اسلامی نظامی تک نفره نیست!**

اینک روح از کالبد خمینی بیرون شده، اما سراسر جهان اسلام از بنگلادش تا الجزایر و سودان و از همه مهم‌تر لبنان و فلسطین، در تسخیر اندیشه‌های به شدت غرب سستیزانه اوست. اتمسفر همه جهان، یک باره مملو از اخبار و تصاویری از رهبر روحانی ایران شده و مهم‌ترین خبرگزاری‌های جهان، سرتیتراول خود را به حوادث ایران اختصاص داده‌اند و این در حالی است که روح خدا همچنان در فضا جاری است. آیت‌الله خمینی، حتی مرگ فاتحانه‌ای داشت. سیاستمداران غربی این روزها به هر سو که می‌نگرد، با رهبر روحانی ایران روبه‌رو می‌شوند. تصاویر آیت‌الله خمینی با آن پیشانی بلند، چانه محکم، ابروان پرپشت، چهره مصمم و نگاه نافذ، روی پوسترها و نشریات با تیراژهای میلیونی جان می‌گیرد و از صفحه تلویزیون‌ها به جهان خبره می‌شود، درست مانند همان روزهایی که با عبای سیاه شیعی و نشسته در زیر درخت سبب، انقلابی بزرگ با نماد «میخک سرخ» را هدایت می‌کرد. تجدید حیات اسلامی تسلیم ناپذیر، قاطع، مصمم، جسور و صد البته پیش‌رونده، برای تقابلی جدی با غرب مسیحی آغشته به فساد مدرن، بدون پیروزی یک انقلاب مذهبی به رهبری آیت‌الله خمینی، بی‌شک هرگز عملی نمی‌شد. خیلی‌ها انتظار دارند که با مرگ آیت‌الله، میراث وی هم دچار بحران و هرج و مرج شود، اما اینگونه نیست. همایون کاتوزیان مورخ ایرانی، دو دلیل را برای محقق نشدن این انتظار ذکر می‌کند: اول اینکه جمهوری اسلامی، آنگونه که برخی تبلیغ می‌کردند، حکومتی یک نفره نبود و دوم اینکه براساس آنچه در مراسم تشییع و تدفین آیت‌الله دیده شد، نظام همچنان از پایگاه عظیم مردمی برخوردار است. آیت‌الله خمینی در حالی می‌رود که به نوشته یک روزنامه انگلیسی زبان چاپ توکیو، جاپن تایمز «پران را به قدرتی مهم در خاورمیانه تبدیل کرده‌است»

■ **انتخاب رهبر جدید، فصلی نوین در تاریخ سیاسی کشور**

در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، مجلس خبرگان رهبری، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را به عنوان رهبر جدید معرفی می‌کند و بدین ترتیب، فصلی جدید از حیات سیاسی کشور گشوده می‌شود. چنانکه روزنامه فاینشیشال تایمز نوشت: «همه کسانی که انتظار داشتند با فوت آیت‌الله خمینی سیاست‌های ایران ناگهان تغییر کند، با دیدن صحنه‌های پرهیجان و خروشان جمعیت تشییع کننده پیکر آیت‌الله، همه ایده‌های خود را بر باد رفته ببینند»

در این وداع آخر، همه رخدادها و حوادث مربوط به انقلاب، برای مردم مرور می‌شود. به راستی این ملت چه چیز احتیاج داشت که نمی‌خواست با رازهای شاه همراه شود و بر عکس می‌خواست با رازهای دردناک و خونین کربلا همراه شود؟ با این امام حسین تنها مانده، رنج کشیده بی‌سر، اما حسینی که حق با او بود. یک نوزایی شاید. شاه از غربی‌ها شوق احترام و نگارایی می‌کرد و می‌گفت که به پاس گذشته پرشکوه‌مان به ما احترام بگذارید، شما نباید حق ما را قور بگذارید. این در وضعیت بود که به گفته ویلیام سالیوان سفیر امریکا، شاه آشکارا به رهنمود گرفتن از ایالات متحده در مورد سیاست‌های داخلی کشور خود عادت کرده بود. چسبیدن به عظمت‌های از دست رفته، حربه‌ای است برای انکار ضعف و حقارت. این وضعیت چیزی جز یک زندگی تحلیلی نیست که انسان خود را قوی فرض کند یا از دیگران بخواهد که او را تایید کنند. در حالی که در عالم واقع ضعیف‌است. چگونه ایرانی که خود را زیر سلطه امریکا احساس می‌کرد و اندکی قبل‌تر زیر سلطه روس و انگلیس بود، می‌توانست خود را هم ردیف ایران عصر هخامنشی بداند که در زمان خود چیزی مانند امریکا ای امروز بوده‌است. ایران نوزایی خود را در تشیع یافته بود.

در چهره امام خمینی بود که ایران مثله شده دیده می‌شد. ایران گشته شده، سربریده، اما محبوب خدا. ایران با امام خمینی از سال‌های تحقیر از سوی روس و انگلیس و امریکا عبور کرد و به مرحله‌ای بازگشت ناپذیر رسید و اینک خود را در مرحله ظهور یافته انقلاب ایران، با نام و یاد مهدی موعود امام غایب بشیه پیوند خورده‌است: «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.» شعار مذکور در یک دهه رهبری خمینی مؤید این بود که جامعه شیعه به ایده‌ال‌های خود دست یافته و تنها منتظر صاحب‌الزمان است. در میان میراث برجای مانده از آیت‌الله، اعتماد به نفس فراوان است که سهم ملت شده‌است. ملتی که بنا دارد این شب آخری را در کنار او بماند و با گریه و ندبه به صبح برساند. هوا گرم است، درست به همان گرما و التهاب نیمه خرداد سال ۱۳۴۲...

۱۵ خرداد ۱۳۶۸، مراسم تشییع پیکر امام خمینی